

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده‌ی علوم اجتماعی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان

تأثیر فضای عمومی شهر تهران در کنترل اجتماعی زنان

استاد راهنما: دکتر پرویز پیران

استاد مشاور: دکتر محمد شیخی

دانشجو: مزده اکبری پور

زمستان 1388

با درود و سپاس؛

تقدیم به همه عزیزانی که مرا در انجام این مهم یاری رسانده‌اند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
	فصل یک: کلیات تحقیق
2.....	مقدمه.....
2	بیان مسئله.....
3.....	ضرورت و اهمیت تحقیق.....
5.....	هدف اصلی تحقیق.....
6	فصل دوم: مبانی نظری.....
7.....	مقدمه.....
7	پیشینه تحقیق.....
7.....	پایان نامه‌های انجام شده در داخل کشور
10	تحقیقات خارج از ایران.....
13	شهرنشینی در ایران.....
14	زن در تاریخ شهرنشینی ایران.....
25	مفهوم فضا.....
26	مفهوم مکان.....

27 مفهوم فضای شهری.....
28 نظریه‌های جامعه‌شناختی فضا.....
28 اروینگ گافمن.....
32 پیر بوردیو.....
35 آنتونی گیدنز.....
38 نظریه‌های شهرسازی.....
38 کوین لینچ.....
41 جین جیکوبز.....
44 یان گل.....
48 فرانسیس تیبالدز.....
51 هنری لوفور.....
53 نقد برنامه‌ریزی شهری.....
55 نظریه‌های فمینیستی.....
56 مفهوم جنسیت.....
58 جنسیت و فضا.....
59 جنسیت و ترس در فضا.....
61 ترس و کنترل زنان.....
62 مفهوم سپهر عمومی و خصوصی.....

64 مفهوم مردسالاری
66 دیدگاه‌های جدید فمینیستی و فضا
67 نظریه‌های قدرت
68 آنتونی گیدنز
69 پیر بوردیو
72 میشل فوکو
76 تئوای ون دایک
79 کتی دیویس
82 چهارچوب مفهومی
87 فصل سوم: روش‌شناسی
88 مقدمه
88 روش‌شناسی
88 دلایل انتخاب روش تحقیق کیفی
90 انواع روش و دیدگاه‌های پژوهشی در تحقیق کیفی
90 روش کیفی مورد استفاده در این تحقیق
91 روش‌های جمع‌آوری داده‌ها
92 جمعیت آماری
92 روش نمونه‌گیری

93حجم نمونه
94استراتژی تجزیه و تحلیل داده‌ها
95اعتبار و پایایی تحقیق
95اخلاق تحقیق
98پرسش‌های تحقیق
99فصل چهارم: یافته‌های تحقیق
100مقدمه
100موانع محیطی
117موانع اجتماعی
139خط داستان
146فصل پنجم: نتیجه‌گیری
147مقدمه
147مروری بر مراحل تحقیق
149نتیجه‌گیری
151محدودیت‌های تحقیق
151پیشنهاد‌های اجرایی
152پیشنهاد‌های پژوهشی
153منابع

فهرست جداول و نمودارها

97	جدول ویژگی‌های نمونه‌های تحقیق.....
144	نمودار موانع محیطی.....
144	نمودار موانع اجتماعی.....
145	نمودار موانع فضای عمومی.....

چکیده

این پژوهش با موضوع تأثیر فضای عمومی شهر تهران در کنترل اجتماعی زنان و مسئله تداوم تفکیک جنسیتی فضاها و محدودیت زنان در دسترسی به فضاهای عمومی، با هدف شناخت چگونگی تأثیر فضای عمومی در زندگی زنان کوشید تا با روش تحقیق کیفی، بر پایه نظریه مبنایی با به کارگیری تکنیک مصاحبه نیمه ساخت یافته و یاری تجارب زنان در فضاهای عمومی با استفاده از عکس، از چگونگی تأثیر فضاهای عمومی شهر تهران در زندگی روزمره زنان، شناخت حاصل نماید. در این تحقیق با 29 زن در سنین متفاوت و طبقات مختلف مصاحبه شده است؛ با کدگذاری این مصاحبه‌ها و تجزیه آنها مقوله‌هایی به دست آمده که با کنار هم چیدن آنها، پدیده در حال ظهور در زندگی زنان حاصل شد. این پدیده که قابلیت تعمیم ندارد؛ نشان می‌دهد که فضای عمومی شهر تهران زنان را به فضاهای محصور عمومی و اندرونی‌های عمومی (فضاهای زنانه عمومی) و خصوصی (خانه، فضاهای زنانه خانگی) سوق می‌دهد. بدین ترتیب که نگاه محدود مسئولین در فضاهای عمومی با استراتژی محرومیت و تفکیک حوزه اختیارات زنان را کنترل نموده و استفاده محدود آنان را از فضاهای عمومی در پی دارد. و در فضای تعاملات اجتماعی نیز جنسیت با سلطه بر زنان موجب اعمال محدودیت‌هایی بر زنان می‌گردد که فضاها و فعالیت‌های آنان را تحت کنترل قرار می‌دهد. این در حصار قرار گرفتن موجب محبوبیت فضاهای محصور در بین زنان می‌گردد.

کلید واژه ها: فضاهای عمومی، کنترل اجتماعی، فضاهای اندرونی، فضاهای محصور

چکیده

این پژوهش با موضوع تأثیر فضای عمومی شهر تهران در کنترل اجتماعی زنان و مسئله تداوم تفکیک جنسیتی فضاها و محدودیت زنان در دسترسی به فضاهای عمومی، با هدف شناخت چگونگی تأثیر فضای عمومی در زندگی زنان کوشید تا با روش تحقیق کیفی، بر پایه نظریه مبنایی با به کارگیری تکنیک مصاحبه نیمه ساخت یافته و یاری تجارب زنان در فضاهای عمومی با استفاده از عکس، از چگونگی تأثیر فضاهای عمومی شهر تهران در زندگی روزمره زنان، شناخت حاصل نماید. در این تحقیق با ۲۹ زن در سنین متفاوت و طبقات مختلف مصاحبه شده است؛ با کدگذاری این مصاحبه‌ها و تجزیه آنها مقوله‌هایی به دست آمده که با کنار هم چیدن آنها، پدیده در حال ظهور در زندگی زنان حاصل شد. این پدیده که قابلیت تعمیم ندارد؛ نشان می‌دهد که فضای عمومی شهر تهران زنان را به فضاهای محصور عمومی و اندرونی‌های عمومی (فضاهای زنانه عمومی) و خصوصی (خانه، فضاهای زنانه خانگی) سوق می‌دهد. بدین ترتیب که نگاه محدود مسئولین در فضاهای عمومی با استراتژی محرومیت و تفکیک حوزه اختیارات زنان را کنترل نموده و استفاده محدود آنان را از فضاهای عمومی در پی دارد. و در فضای تعاملات اجتماعی نیز جنسیت با سلطه بر زنان موجب اعمال محدودیت‌هایی بر زنان می‌گردد که فضاها و فعالیت‌های آنان را تحت کنترل قرار می‌دهد. این در حصار قرار گرفتن موجب محبوبیت فضاهای محصور در بین زنان می‌گردد.

کلید واژه ها : فضاهای عمومی ، کنترل اجتماعی ، فضاهای اندرونی ، فضاهای محصور

فصل یک

کلیات تحقیق

مقدمه

در این فصل ضمن توضیحی مختصر از تفکیک فضاها و شیوه این تفکیک در ایران، با توجه به تغییر نقش زنان و درهم شکسته شدن این مرزها به بیان مسئله تحقیق که تداوم تفکیک فضاها بر مبنای جنسیت است؛ پرداختم. و در ادامه سوال‌های تحقیق فوق را در کنار ضرورت انجام این پژوهش و هدف از انجام آن مطرح نمودم.

بیان مسئله

از زمان پیدایش شهر و همراه با تقسیم کار فضایی و اجتماعی پیچیده و قشربندی شده، تمایز بین عمومی و خصوصی، به عنوان اصل اساسی سازمان‌دهی مطرح بوده، و فضای کالبدی شهرها و زندگی اجتماعی شهروندان را شکل داده است. اما علی‌رغم مشترک بودن این ویژگی، طبیعت این تمایز و معنای رابطه بین عمومی و خصوصی در فرهنگ‌ها و دوران‌های مختلف، تفاوت‌های زیادی باهم داشته‌اند. میتوان گفت نحوه تفکیک فضا و رابطه بین عمومی و خصوصی، انعکاسی از روابط اجتماعی و شاخص چگونگی و نحوه سازمان‌دهی اجتماع می‌باشد (مدنی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۶).

جنسیت به عنوان یکی از عوامل، بر تفکیک میان سپهر عمومی و خصوصی حاکم است؛ بدین معنی که هر آنچه، به حوزه عمومی تعلق دارد، مردانه است (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۰). این تمایز زنان را متعلق به حوزه خصوصی و مردان را، متعلق به حوزه عمومی در نظر می‌گیرد. گویی قلمرو عمومی به او (مرد) تعلق دارد و زن با اجازه او آن جاست.

این تفکیک در شهر ایرانی که در تمامی دوران‌ها، چه در دوره باستان و چه در دوره اسلامی، پایگاه قدرت و جایگاه دستگاه اداری نظام شه‌پداری بوده است (اشرف، ۱۳۵۳: ۱۱)؛ در تقویت با عوامل دیگری هم- چون انگارگان مذهبی و ناامنی، معماری درون‌گرایی بر پایه حیاط مرکزی را به ارمغان آورد (پیران، ؟: ۴۰)؛ که رابطه عمومی و خصوصی را درون خانه‌های دارای حیاط مرکزی درون‌نگر نیز در راستای رابطه آشنا-غریبه، عضو خانواده-میهمان و از همه مهم‌تر روابط زن-مرد تعریف نمود (مدنی‌پور، ۱۳۸۷: ۲۳۹). به عبارتی جنسیت بر تفکیک فضاها در ایران نه تنها در فضای شهرها که در خانه‌ها نیز حاکم است.

تغییر سبک زندگی، ورود هر چه بیش‌تر زنان به حوزه عمومی را می‌طلبد؛ آن‌ها اکنون بیش‌تر از گذشته برای انجام کارهای روزمره، اشتغال به کار خارج از خانه، تحصیلات، گذران اوقات فراغت و ... ناگزیرند که در فضای عمومی شهر، رفت و آمد داشته باشند. این حضور مرز بین فضاها را از بین برده

و زنان دیگر هم چون گذشته تنها به فضای خصوصی خانه‌های‌شان تعلق ندارند؛ از این رو انتظار می‌رود که هم‌گام با تحولات رخ داده، دگرگونی‌ای در بهبود شرایط زنان و دسترسی فیزیکی آنان به فضاهای عمومی و فعالیت‌های درون آن صورت پذیرد. با این حال زنان هم‌چنان به دلیل جنسیت‌شان از دسترسی برابر و استفاده راحت از فضاهای عمومی که می‌باید کل مردم را مورد توجه قرار دهد و برای‌شان باز و قابل دسترس باشد، به طوری که بتوانند از آن بهره مشترک ببرند؛ محروم هستند و به طرق گوناگون در استفاده از فضاهای عمومی محدود می‌گردند. گویی هم‌چنان زنان متعلق به حوزه خصوصی و مردان متعلق به حوزه عمومی در نظر گرفته می‌شوند. این تقابل محیط خانه با محیط بیرون در کنترل مردان، نه تنها در فضای کالبدی شهر از طریق جداسازی جنسیتی مکان‌های عمومی و عدم توجه به نیازهای زنان، بلکه در فضای اجتماعی و در روابط اجتماعی زنان و مردان در فضاهای عمومی شهر نیز مشهود است. بدین ترتیب فضاهای عمومی که برای استفاده همگانی فرض شده، برای زنان غیرقابل دسترس و یا محدود می‌گردد. با توجه به تغییر نقش زنان در ابعاد اجتماعی و خانوادگی، ادامه دار بودن روند تفکیک جنسیتی فضاها در جامعه و محدودیت زنان در دسترسی به فضاها که به طرق مختلف صورت می‌پذیرد، می‌تواند یک مسئله اجتماعی باشد. چراکه این روند مستقیم یا غیرمستقیم بر روی فعالیت‌های زنان تأثیر می‌گذارد و آزادی‌شان را محدود می‌کند. در این راستا شهر تهران، این پایتخت دویست ساله و پایگاه قدرت امروز ایران را انتخاب نمودم تا دریابم فضاهای عمومی این شهر به چه نحو و به چه شکل فعالیتها و دسترسی‌های زنانی که امروز در این شهر رفت و آمد دارند را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ و با تأثیر بر فعالیتها و آزادی‌های زنان، آنان را کنترل می‌نماید؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

قرن بیست و یکم قرن شهرهاست؛ اکنون بیش از نیمی از مردم دنیا شهرنشین‌اند. آمار و ارقام مربوط به شهرنشینی به خوبی نشان‌گر اهمیت و نقش نوین شهرها می‌باشد. در سال ۱۹۷۵ م. ۲۶ درصد جمعیت کشورهای در حال توسعه، در شهرها زندگی می‌کردند، این نسبت در سال ۱۹۹۰ م. به ۳۷ درصد رسید، و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ م. به ۶۱ درصد برسد (نصیری و دیگران ۱۳۸۷: ۲۴۵). جامعه امروز ایران نیز جامعه‌ای است شهری، یعنی بیش از نصف جمعیت کشور در شهرها سکونت دارند (پیران، ۳۵:؟). بزرگ‌ترین مجموعه شهری ایران از نظر حجم جمعیت، مجموعه شهری تهران است که به تنهایی ۱۷/۲ درصد از جمعیت کشور را در خود متمرکز کرده است (نصیری و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۴۶). رشد شهرنشینی با چنین شتابی در زندگی زنان نیز تأثیر داشته است.

اگر در گذشته، برخی از خرده فرهنگ‌ها نظیر زنان حضوری کم‌رنگ و تقریباً ناپیدا داشتند، در شهر مدرن خود راهر چه بیشتر به بیان اجتماعی درآورده؛ در قالب‌های متفاوت بروز داده و بر فضاها و مناسبات شهری تأثیرگذاری می‌کنند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۴۰۱). امروز، زنان هم به عنوان خریدار و هم فروشنده و هم برای ملاقات‌های اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه بیشترین استفاده‌کنندگان از فضای شهری اند (مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۲۸). اما انسان‌ها شهر را به گونه‌ای متفاوت تجربه کرده و در آن زندگی می‌کنند؛ به گفته ریمون لودرو بازیگران اجتماعی بنا بر جنسیت، طبقه اجتماعی و تعلق‌های محلی خود می‌توانند شهر را به صورت‌های مختلف تجربه کرده، و آن را در روابط معنایی و احساسی متفاوت قرار دهند. علاوه بر این در شهر، ما با فضاها و گروه‌های کاملاً مردانه یا زنانه‌ای روبرو هستیم که می‌توانند در همه فضاها کارکردی (زیستی، کاری، فراغتی و حمل و نقلی) تبلور یابند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۲۵).

رشد شهر نشینی همراه با تغییر نقش زنان و حضورشان در فضاهای عمومی، به دلیل تجربه متفاوت و معنای متفاوتی که شهر برای زنان دارد می‌تواند بیان‌گر ضرورت انجام این پژوهش باشد. این ضرورت با توجه به اهمیت روزافزون ماهیت فضاهای عمومی در ارزیابی شهرها و محیط‌های شهری، به عنوان بستری برای تعاملات اجتماعی بین زنان و مردان دو چندان می‌گردد. "مهم‌ترین معیاری که امروزه، در ارزیابی شهرها و محیط‌های شهری باید لحاظ شود، ماهیت عرصه عمومی موجود در آن است. این عرصه‌ها تمام بخش‌های بافت شهری را که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند در بر می‌گیرد. در چنین عرصه‌هایی ست که بیشترین تماس، ارتباط و تعامل بین انسان‌ها رخ می‌دهد." (تیبالدز، ۱۳۸۱: ۲۵-۱۵).

یکی از آخرین نظریه‌های توسعه، "آزادی یعنی توسعه" آزادی بشر، یا رفع ناآزادی‌های بشر امروز و به ویژه جهان توسعه نیافته را کلید اساسی توسعه می‌داند (سن، ۱۳۸۶: ۱۹). یکی از اهداف توسعه انسانی، «برابری جنسیتی» است؛ هدف از «برابری جنسیتی»، کسب اطمینان از این مسئله است که توجه کافی به زنان و مردان و تجارب آنان در طراحی، اجرا، ایجاد انگیزه و ارزیابی تمامی پروژه‌ها صورت پذیرد (مومسن، ۲۰۰۴: ۱۵ به نقل از خانی، ۱۳۸۶: ۱۶). و این خود مستلزم آن است تا بدانیم که مردان و زنان، اغلب دارای اولویت‌ها، نیازها و روحیات مختلفی‌اند و با مسائل متفاوتی روبرو می‌شوند؛ از این رو با توجه به خصوصیات و نیازهای شان باید فرصت‌ها به گونه‌ای در اختیار آنان قرار گیرد که بتوانند وظایف زندگی خود را به خوبی انجام دهند (خانی، ۱۳۸۶: ۲۹). از آنجایی که زنان دیگر تنها استفاده‌کنندگان منفعل کمک‌های رفاهی به حساب نمی‌آیند بلکه، هم به وسیله مردان و هم از

سوی خویش، به عنوان نقش آفرینان فعال تغییر و عوامل مهم توسعه و پیشرفت به رسمیت شناخته شده‌اند (سن، ۱۳۸۳: ۷۹)؛ اهمیت «برابری جنسیتی» دو چندان می‌گردد. برابری جنسیتی به معنای برابری در تعداد مردان و زنان در فعالیت‌های مختلف و به روش مشابه در فعالیت‌ها نیست؛ بلکه به معنای برابری فرصت‌هاست (خانی، ۱۳۸۶: ۲۹). از این رو می‌توان گفت که زنان به عنوان نیمی از جمعیت، می‌بایست حق استفاده برابر از فضاهای شهری و حق برابری فرصت در استفاده از فضاهای شهری را دارا باشند. با این وجود زنان در مجامع عمومی نه تنها به دلیل ترس از آزار یا حتی خشونت، بلکه به دلیل نادیده گرفته شدن نیازهایشان در ساخت فضاهای عمومی شهر جهت حضور آزادانه در شهر و استفاده از فضاهای عمومی با محدودیت مواجه‌اند. پژوهش حاضر با بررسی تجارب زنان در فضای شهر و تحلیل شیوه‌های اعمال نابرابری در فضاهای عمومی بر زنان و محدود کردن آزادی‌هایشان می‌تواند از اهمیت به‌سزایی برخوردار باشد.

هدف اصلی تحقیق

هدف اصلی این تحقیق شناخت تأثیر فضای عمومی شهر تهران در کنترل اجتماعی زنان این شهر است.

اما از آنجا که فضا دارای وجودی عینی و مستقل نیست که نقشی تعیین‌کننده در ایجاد و تبیین پدیده‌ها داشته باشد، نمی‌توان آنرا متغیر مستقلی در نظر گرفت که بتواند نقش و تأثیر عمده‌ای در نگرش‌ها و رفتارها و فرایندهای اجتماعی داشته باشد. از این رو تلاش بر این است تا به کمک تجارب زنان در فضاهای عمومی این شهر در هر دو بعد کالبدی و اجتماعی و با تکیه بر دانش این زنان، از تفکر حاکم بر ساخت شهر و نگاه جامعه به زنان و حضورشان در فضاهای عمومی شناخت حاصل گردد؛ با شناخت شیوه ساخت فضاهای عمومی و کیفیت برخورد با زنان در این فضاها می‌توان به شناخت راه‌های کنترل زنان در این فضاها، دست یافت.

فصل دوم

مبانی نظری

مقدمه:

در این فصل ضمن پرداختن به پیشینه تحقیق به طور مختصر تاریخچه حضور زن ایرانی در اماکن عمومی در طول تاریخ شهر نشینی ایران را مطرح کرده و پس از آن در بخش مبانی نظریه‌های به کار گرفته شده در این پژوهش توضیح و بررسی شد.

پیشینه تحقیق

در این قسمت به بخشی از تحقیقاتی که در رابطه با پژوهش فوق صورت گرفته اشاره کوتاهی نمودم، تا آگاهی از نتایج این تحقیقات چشم‌اندازی نو به پژوهش فوق ببخشد.

پایان‌نامه‌های انجام شده در داخل کشور

در این رابطه پایان‌نامه‌هایی با عناوین "تجربه زنان در اماکن عمومی"، "موانع برخورداری زنان از حقوق شهروندی"، "مطلوبیت سنجی فضاهای عمومی شهری برای زنان"، "تحلیل جنسیتی مکان‌های شهری"، را که در داخل کشور انجام شده است؛ مورد بررسی قرار دادم.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی به پژوهش سیما حسین‌زاده با موضوع مزاحمت جنسی: تجربه زنان تهران در اماکن عمومی با راهنمایی شهلا اعزازی در سال ۸۷-۸۶ با هدف شناخت معنای ذهنی زنان از مزاحمان و مزاحمت جنسی، شناخت تجربیات زنان در اماکن عمومی و تأثیر این تجربیات بر زندگی روزمره آنان و مقایسه انواع تجربه‌های آنان براساس شرایط و ویژگی‌های فردی - زمینه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفت.

پژوهش‌گر در این تحقیق به بررسی مفهوم مزاحمت جنسی و دستیابی به یک تیپولوژی از مزاحمت جنسی پرداخته است؛ و از تکنیک مصاحبه نیمه ساخت یافته استفاده نموده و برای شناخت و ارزیابی جامعه آماری، متغیرهایی مثل سن، تحصیلات، شغل، تحصیلات و شغل والدین، اعتقادات مذهبی، زیبایی چهره، اندام، قد، نوع پوشش، نوع آرایش و وسیله رفت و آمد را مورد توجه قرار داده است. از لحاظ تحصیلات، زنان مورد مصاحبه، در طیف دیپلم تا فوق‌لیسانس قرار داشتند که بیشترین فراوانی را در دوره کارشناسی داشت. دامنه سنی مصاحبه‌شوندگان نیز بین ۲۰ تا ۳۶ سال بود که از نظر شغل، برخی دانشجو، برخی مشاغل (بیشتر در رده کارمند) و معدودی هم خانه‌دار بودند.

محقق به استراتژی‌هایی که زنان جهت پیش‌گیری از وقوع مزاحمت جنسی اعمال می‌کنند اشاره دارد و بیان می‌کند که زنان، راه‌های امنیت خویش برای مصون ماندن از خشونت را در محدود کردن خود

می‌دانند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که معیارهای کنترل اجتماعی به‌جای کنترل رفتار مزاحمت‌آمیز مردان در اماکن عمومی، زنان را کنترل می‌کند.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی به کوشش الهه غیاثوند با موضوع موانع برخورداری زنان از حقوق اجتماعی شهروندی به راهنمایی جعفر سخاوت در بهمن ۱۳۸۳ به این موضوع پرداخته که آیا مسأله زنان در عرصه عمومی با مسأله آنان در عرصه خصوصی، رابطه دارد؟ و این که زنان به چه میزان از حقوق اجتماعی شهروندی برخوردارند؟ هدف عمده تحقیق نشان دادن آن است که مسأله زنان در عرصه عمومی یا اجتماع در ارتباط مستقیم با مسأله زنان در عرصه خصوصی یا خانواده است. در این تحقیق از روش پژوهش پیمایش و تکنیک گردآوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه استفاده شده است. جمعیت آماری مورد مطالعه در این پژوهش، زنان متأهل ۲۰ تا ۵۵ ساله دارای فرزند ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران در سال ۱۳۸۳ می‌باشد. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای متناسب با حجم نمونه (۲۶۶ نفر) بوده، و در تحلیل داده‌ها نیز از برنامه SPSS استفاده شده است.

براساس یافته‌های تحقیق فوق، ۷۶/۳ درصد از زنان جمعیت نمونه در حد متوسطی از حقوق اجتماعی شهروندی برخوردارند. سؤال اصلی تحقیق یعنی بررسی وجود رابطه میان مسأله زنان در حوزه خصوصی یا خانواده با مسأله آنان در حوزه عمومی در جمعیت آماری تأیید گردید. محقق بیان می‌دارد که موانع تحقق شهروندی زنان در عرصه عمومی هنگامی برداشته می‌شود که موانع حضور آنان در جامعه چه در سطح کلان و چه در سطح خرد یا خانواده از میان برداشته شود.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس به پژوهش مهسا سیفایی با موضوع مطلوبیت سنجی فضاهای عمومی شهری جهت استفاده گروه‌های خاص اجتماعی (زنان) در الگوی برنامه‌ریزی مشارکتی (مورد مطالعه میدان نبوت) به راهنمایی مجتبی رفیعیان در سال ۱۳۸۴ با هدف بررسی مطلوبیت فضاهای عمومی شهری جهت استفاده‌کنندگان خاص اجتماعی (زنان)، به مطالعه در مورد فضاهای عمومی و تجارب زنان در فضاهای شهری پرداخته است.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات، روش کتابخانه‌ای و اسنادی، روش‌های میدانی (پرسش‌نامه و مصاحبه)، روش مشاهده مستقیم (مشارکتی) بوده و روش تحقیق فوق، روش تحلیلی و مشاهده مشارکتی بوده است. بدین منظور، محقق، با استفاده از تکنیک شاخص‌ساز، شاخص‌هایی را جهت سنجش مطلوبیت نمونه مورد مطالعه (میدان نبوت) استخراج نموده و در قالب پرسش‌نامه‌هایی بین

زنان (حدود ۱۰۰ زن)، استفاده کننده و غیر استفاده کننده از نمونه مورد مطالعه ارائه نمود. هم‌چنین با تعدادی از مطلعین محلی نیز مصاحبه انجام گرفت. جهت برداشت داده‌های میدانی از روش خوشه‌بندی سیستماتیک تصادفی و هم‌چنین روش **Deep inter view** (مصاحبه عمیق) استفاده شد. هم‌چنین با استفاده از **SPSS** و ارائه آمار توصیفی و استفاده از تحلیل‌های آماری (ضرایب هم‌بستگی اسپیرمن و کای دو) وجود یا عدم وجود ارتباط و میزان هم‌بستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تعیین شد.

بنا به نتایج این تحقیق، از نظر اکثر زنان استفاده کننده، فضای این میدان، مطلوبیت زیادی داشته و ۵۳ درصد آن‌ها حاضر به استفاده از فضای دیگری که مشابه این میدان باشد، نبودند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، مسافت و مدت اقامت در محلات، مستقل از سطح مطلوبیت بوده و اثری بر میزان مطلوبیت ندارند. مطلوبیت این میدان (هفت حوض) با سایر شاخص‌ها مانند تعامل اجتماعی، امنیت و آزادی حرکت، دسترسی، طراحی، هویت، نظارت اجتماعی، تمایل به مشارکت، راحتی و منظر اجتماع‌پذیری، استفاده و فعالیت‌ها، رابطه داشته است و مستقل از آن‌ها نمی‌باشد.

رساله دکتری در رشته شهرسازی دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران به پژوهش بیتا جمال‌پور با موضوع تحلیل مکان‌های شهری بر مبنای جنسیت: استفاده زنان از مکان‌های شهری، با توجه به وضعیت تهران (بررسی نابرابری استفاده زنان و مردان از مکان‌های شهری و عوامل مؤثر بر آن در تهران) به راهنمایی منوچهر طیبیان در سال ۱۳۸۶ در پی آن است تا با تحلیل جنبه‌های جنسیتی مکان‌های شهری بر بهبود وضعیت زنان به کمک حق آنان نسبت به مکان‌های شهری تأثیر بگذارد. هدف این پژوهش ایجاد چهارچوبی برای تحلیل مکان‌های شهری است تا بتواند با توجه به فعالیت‌های مکان عمومی به عنوان پایه‌ای برای برنامه‌ریزی/طراحی شهری حساس به جنسیت به کار رود. روش پژوهش فوق مطالعه کتابخانه‌ای و مورد پژوهشی (مطالعه موردی) بوده که در آن از نشانه‌شناسی نیز کمک گرفته شده است. در این تحقیق مکان‌های مورد استفاده زنان در دو مرحله نمونه‌گیری شد؛ ابتدا با مراجعه به گروهی از مکان‌های مورد استفاده احتمالی مکرر زنان از تعدادی از آنان در مورد مکان‌های مورد استفاده‌شان پرسش به عمل آمد و در مرحله دوم تعدادی از مکان‌های مورد اشاره آنان به عنوان نمونه مکانی انتخاب گردید. در نهایت در هر مورد، فعالیت‌ها و فعالان در

هر مکان مشخص براساس چهارچوب تحلیل مکان مورد بررسی قرار گرفت و جهت مطالعه دقیق‌تر نیز در هر مکان از روش مشاهده و مصاحبه نیز استفاده شده است.

نتایج تحقیق فوق نشان می‌دهد که تنها مانع حضور زنان، تفکیک جنسیتی مکان‌های عمومی است که تلاش در دور نگاه داشتن زنان از اماکن عمومی دارد. محقق، ابزار آزادسازی زنان در مکان‌های شهری که خود به صورت هدف در شهر تعریف می‌شود را ایجاد امکان تحرک برای آنان می‌داند، و نتیجه کلی ناشی از مطالعات دنیای سنتی - مذهبی ایران و سایر کشورهای مسلمان به طور عام را در قبال حساسیت‌های ناشی از هنجارها، در اتخاذ دو نوع رویکرد تبیین می‌نماید:

رویکرد استراتژیک: تلاش در تغییر بنیان‌هایی که زن را متعلق به دنیای خصوصی می‌دانند که به تعبیر وی، این تلاش مبارزه‌ای سیاسی خواهد بود که در کشوری چون ایران با حساسیت پایین در مورد کلیشه‌های جنسیتی در ذهن کنش‌گران، بیشتر به تضييع نیروهای محدود می‌انجامد.

رویکرد تاکتیکی: رفتار تاکتیکی، سوار شدن بر جریان بنیان‌های یاد شده و تغییر جهت دادن به آن‌ها در بلندمدت است. به زعم پژوهش‌گر تحقیق فوق، بهتر است به جای تعقیب «تغییرات سازمانی» به زنان امکان تحرک در «سازمان موجود» داده شود تا آنان خود صدای لازم را پیدا کرده و در بلندمدت، تغییرات استراتژیک را ایجاد نمایند. پژوهش‌گر فوق معتقد است که این رویکرد تاکتیکی در حوضه شهرسازی می‌تواند به کمک مکان‌های نیمه عمومی آغاز به کار کرده و حمایت شود.

نتیجه‌گیری

این تحقیقات نشان می‌دهد که فضاهای عمومی شهر در ارتباط با زنان مورد علاقه رشته‌های مختلفی بوده است و هر کدام از این رشته‌ها از رویکرد ویژه خود فضاهای عمومی شهر را مورد مطالعه قرار داده‌اند. اما آنچه مورد لزوم است مطالعه هم‌زمان و بین رشته‌ای فضاهای عمومی شهر در رابطه با زنان می‌باشد. مطالعه‌ای که مسائل زنان در استفاده از فضاهای عمومی شهر را در هر دو حوزه کالبدی و اجتماعی مورد بررسی قرار دهد و این دو را در ارتباط با یکدیگر مطالعه نماید.

تحقیقات خارج از ایران

در این بخش تعدادی از تحقیقاتی که در زمینه جنسیت و فضای عمومی در خارج از ایران انجام شده است؛ بررسی نمودم.